



حق اشتغال زنان در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری؛ تقابل یا تعامل با حق سلامت

مریم شیریان نسل

استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، مرکز تحقیقات حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

(نویسنده مسئول)

maryam.shiriyani@yahoo.com

جواد مولائی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

javad1352molaei@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: زنان نیمی از جمعیت هر کشور را تشکیل می‌دهند. از این رو، فعالیت اقتصادی ایشان به‌عنوان نیمی از نیروی کار جامعه در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی بسیار مؤثر است. جوامع مختلف دیدگاه‌های متفاوتی را در مورد نحوه مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی دارند. در دیدگاه غرب، زنان باید بدون هیچ قید و شرطی وارد بازار کار شوند و به فعالیت اقتصادی بپردازند.

روش تحقیق: در این مطالعه روش تحقیق به‌صورت توصیفی - تحلیلی است.

یافته‌ها: نقش شغلی آنان در درجه اول اولویت قرار دارد و از نقش مادری و همسری ایشان مهم‌تر است. لیکن در اسلام، ضمن تأکید بر امکان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی، بر نقش ایشان در خانواده به‌عنوان مادر و همسر تأکید شده است. اسلام اشتغال زنان را تحت شرایط خاصی قبول نموده است.

نتیجه‌گیری: در این پژوهش تلاش شده است اشتغال زنان همپای عصر صنعتی مهم‌تر شد؛ زیرا زنان در نیل به استقلال مالی، هویت شخصی، مشارکت اقتصادی و مانند آن به کار در خارج از خانه اهمیت بیشتری داده‌اند. علاوه بر این، نیاز جوامع صنعتی و حتی کشورهای رو به رشد به کار زنان، آنان را به کار تشویق کرده است. از این رو، طرح، وضع و اجرای قوانینی که نحوه استخدام، شرایط کار، میزان دستمزد و کیفیت مرخصی زنان را معین می‌کند به پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. مقاله حاضر می‌کوشد نگاه اسناد بین‌المللی و جمهوری اسلامی به مسئله «اشتغال زنان» را ترسیم کند.

کلیدواژه‌ها: حق اشتغال، زن، بانک، مؤسسات مالی و اعتباری، تعامل، حق سلامت



مقدمه

سلامت مفهومی چندبعدی است. سازمان بهداشت جهانی (۱۹۴۸) سلامت اجتماعی را یکی از مؤلفه‌های کلیدی سلامت معرفی کرده است، اما به دلیل فقدان ابزارهای معتبر، این مفهوم همچنان موضوع بحث‌های سیاسی و اجتماعی است. مطالعات سلامت با استفاده از نمونه‌های زیستی بیشتر بر وجه خصوصی سلامت تأکید دارد ولی افراد در درون ساختارها و در روابط اجتماعی قرار دارند (صبوری، ۱۳۹۰: ۱۷). ویلکنسیون معتقد است حتی در مرفه‌ترین کشورها مردمی که از رفاه کمتری برخوردارند دارای امید به زندگی کمتر و بیماری بیشتری نسبت به افراد معمول هستند. نه تنها تفاوت در سلامتی یک بی‌عدالتی مهم اجتماعی است بلکه ذهن ما را متوجه قوی‌ترین استانداردهای تعیین‌کننده سلامت اجتماعی در جوامع مدرن می‌سازد این تعیین‌کننده‌ها عبارتند از: طبقه اجتماعی، انزوای اجتماعی، داشتن کار، بیکاری و تأثیر منفی آن بر سلامت، برخورداری از حمایت اجتماعی و ... است (ویلکنسیون، ۱۳۸۳: ۸۴).

با افزایش زنان تحصیل کرده در ایران و درخواست آنان برای اشتغال مطالعه وضعیت سلامت زنان شاغل از اهمیت زیادی برخوردار است. تعیین‌کننده‌های اجتماعی سلامت ناشی از امر اشتغال زنان، می‌توانند شامل ابعادی همچون شاغل بودن و عدم اشتغال، قراردادهای اشتغال، وضعیت‌های اقتصادی- اجتماعی نظیر درآمد و طبقه اجتماعی، شبکه‌های حمایت اجتماعی، تحصیلات یا حتی سن، شرایط و ویژگی‌های مرتبط با کار، محیط‌های اجتماعی، مهارت‌های زندگی، خدمات اجتماعی باشند (غفاری و یوسفی، ۱۳۹۷: ۷۰). اشتغال زنان و در نتیجه، مهارت‌های اجتماعی آنان، رفتارهایی هستند که فرد را قادر به تعامل مؤثر و اجتناب از پاسخ‌های نامطلوب می‌نماید و بیانگر سلامت اجتماعی و رفتاری آنان است. این مهارت‌ها ریشه در بسترهای فرهنگی و اجتماعی جامعه زنان داشته و شامل رفتارهایی نظیر پیش‌قدم شدن آنان در برقراری روابط جدید، تقاضای کمک نمودن و پیشنهاد برای کمک به دیگر زنان است (گرما رودی و وحدانی نیا، ۱۳۸۵: ۴۱).

در پژوهشی با عنوان سلامت اجتماعی و متغیرهای جمعیت شناختی در سال ۲۰۰۴ بر روی نمونه وسیعی از جمعیت آمریکا، کیز و شاپیرو نشان دادند که وضعیت شغلی برای سلامت اجتماعی زنان مهم‌تر از مردان است و زنانی که وضعیت شغلی پایین‌تری داشتند، سلامت اجتماعی کمتری نسبت به مردانی با همان جایگاه شغلی گزارش دادند. به‌طور کلی، همین‌طور که جایگاه شغلی افزایش می‌یابد زنان نسبت به مردان، به‌طور فزاینده‌ای سطوح بالاتری از پذیرش، مشارکت و انسجام اجتماعی را گزارش می‌کنند در مطالعات انجام‌شده بر اهمیت تکثر نقش‌ها و تأثیر مثبت آن در ارتقای سلامت اجتماعی زنان تأکید شده است (غفاری و یوسفی، ۱۳۹۷). مطالعه مقاله ذیل موجب می‌شود با تفاوت‌های بیشتری و در عین حال، شباهت‌هایی در بین دو دیدگاه، به اشتغال زنان پی ببریم.

روش تحقیق

تحقیق حاضر به‌صورت توصیفی (توصیفی- تحلیلی) انجام‌گرفته است. با توجه به اینکه پژوهش حاضر قصد دارد با استفاده از روش‌های معتبر فعالیت‌های علمی و پژوهشی به شرح تفصیلی از نظرات آزمودنی‌ها در مورد متغیرهای موردنظر بپردازد لذا از روش توصیفی پیمایشی که از معمول‌ترین و مناسب‌ترین روش‌ها می‌باشند استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای است. روش اخذ اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و فیش‌نویسی است. نگارنده با استفاده از کتاب‌های موجود در کتابخانه‌ها و با استفاده از نرم‌افزارها و سایت‌های مرتبط به جمع‌آوری مطالب می‌پردازد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات محقق با مراجعه به همه منابع شناسایی شده از قبل، مطالب مهم و موردنیاز خود از طریق نت‌برداری و فیش‌برداری با ذکر دقیق مشخصات منبع مورد استفاده قرار خواهد داد. اطلاعات جمع‌آوری شده که در فیش‌ها ثبت شده‌اند با یک نظم منطقی دسته‌بندی شده و با یک دسته‌بندی مناسب و منطقی ثبت می‌شوند. در این روش اصولاً از طریق مطالعه منابع منبع و جنبی مسئله در کتابخانه مسئله را با توجه به نظرات اساتید و با نظر به نتایج تحقیقات تحت بررسی قرار گرفته است.



یافته‌ها

۱. اسناد بین‌المللی حقوق بشر و اشتغال زنان

از میان انبوه اسناد بین‌المللی حقوق بشر که به اشتغال زنان پرداخته‌اند، تنها به مواردی از آن‌ها می‌پردازیم:

۱-۱. مقاله نامه کار اجباری

بر پایه مقاله نامه شماره ۲۹ در خصوص کار اجباری، مصوب کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار، دولت‌ها و مقامات صلاحیت‌دار نباید اجازه دهند زنان به کار اجباری گمارده شوند تا حاصل کار اجباری آنان به نفع افراد یا شرکت‌ها و یا شخصیت‌های حقوقی تمام شود و یا در اختیار آنان قرار گیرد. علاوه بر این، چنانچه بعضی از قوانین به تحقق کار اجباری زنان منتج گردد، باید در اسرع وقت ملغی شود. همچنین مأموران محلی، حتی در صورتی که وظیفه‌شان ایجاب نماید، نمی‌توانند زنان و مردان را به کار و فعالیت موقت یا دائمی مجبور سازند و نیز مجاز نیستند آن‌ها را به صورت فردی یا جمعی به کار کردن برای افراد یا شرکت‌ها و ادار سازند. رؤسا و کارگزاران رده‌های بالاتر هم اجازه ندارند به کار اجباری زنان متوسل شوند (عبادی، ۱۳۷۳: ۴۱).

کار اجباری زنان، که به‌عنوان و به دلیل تأدیه و تسویه مالیات و دیگر حقوق قانونی انجام می‌گیرد و یا کار اجباری بانوان، که از سوی رؤسا به بهانه‌ها و به دلایل شغلی و اداری بر زنان کارمند و کارگر تحمیل می‌گردد، غیرقانونی است و باید ملغی شود. افزون بر آن، هیچ‌یک از امتیازاتی که به افراد، شرکت‌ها یا شخصیت‌های حقوقی واگذار می‌شود، نباید اثر آن یا تفسیری که از آن صورت می‌گیرد، موجب تحمیل کار اجباری بر زنان به‌منظور تولید بیشتر و افزون‌تر گردد. مسئولیت تحمیل و ترویج کار اجباری زنان بر عهده مقامات عالی کشوری است که در آن کار اجباری را بر زنان کارگر و کارمند تحمیل می‌کنند (صبوری، ۱۳۹۰: ۱۰).

۱-۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر

از جمله دلایل تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر آن بود که ملل دنیا ایمان خود را به حق بشر برای بهره‌مندی او از حقوق اساسی و ایمان خود را به مقام و ارزش انسانی و تساوی حقوق زن و مرد اعلام کردند و تصمیم راسخ گرفتند به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و محیط آزادی را فراهم آورند که در آن دسترسی به زندگی بهتر امکان‌پذیر باشد. طبعاً کمک به پیشرفت اجتماعی، فراهم آوری محیط آزاد و دسترسی به زندگی بهتر، بدون تساوی زن و مرد در همه عرصه‌های اجتماعی و از جمله تساوی در فعالیت‌های اقتصادی میسر نیست (دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۷۰: ۶۵).

بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر، زن و مرد آزاد به دنیا آمده و از لحاظ حیثیت و حقوق اجتماعی برابرند و از این رو، نمی‌توان آنان را به بهانه نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده، ثروت و موقعیت، از انتخاب شغل بازداشت. همچنین نباید زنان را به دلیل وضعیت سیاسی، اداری، قضایی و سیاسی کشور و سرزمینی که در آن زندگی می‌کنند و یا به آنان تعلق دارند، خواه این کشور مستقل باشد یا تحت محدودیت (مثلاً، تحت استعمار) از تصدی مشاغلی که به آن علاقه دارند، منع کرد و یا به مشاغلی که به آن علاقه‌ای ندارند، گمارد. هر زنی حق دارد از زندگی اقتصادی دلخواه، آزادی در انتخاب شغل و امنیت شغلی برخوردار باشد و نمی‌توان او را مجبور کرد که برده شود و حتی نمی‌توان او را در خرید و فروش برده مشارکت داد و البته حق هم ندارد داوطلبانه به دادوستد برده بپردازد (غفاری و یوسفی، ۱۳۹۷: ۳۲).

نباید زنان را تحت شکنجه یا مجازات ظالمانه قرارداد و برخلاف انسانیت و شئون بشری، به پذیرفتن شغلی گمارد و آنان را از انتخاب شغل دلخواه محروم کرد؛ باید شخصیت شغلی آنان را که قانون پذیرفته است، به رسمیت شناخت. زن در برابر قانون، با مرد مساوی است و حق دارد بدون تبعیض و به‌طور مساوی، برای کسب و حفظ شغل از حمایت قانون برخوردار شود و حق دارد در مقابل هر تبعیضی و علیه هر تحریکی که او را در شرایط مساوی، در رده پایین‌تر شغلی با مرد قرار می‌دهد، حمایت مساوی قانون را مطالبه کند. زنان در برابر اعمالی که حقوق و امتیازات شغلی آنان را مورد تجاوز قرار می‌دهد و آن حقوق و امتیازات در قوانین اساسی یا قوانین دیگر به رسمیت شناخته‌شده، حق رجوع به محاکم ملی مصالحه‌رادرند. هیچ‌کس نمی‌تواند زنی را خودسرانه از کاری بازدارد و یا او را به دلیل پرداختن به شغلی حبس کند یا تبعید نماید. زنان حق دارند دعوی خود را درباره



مشاغل خویش، در دادگاهی مستقل، بی‌طرف و منصفانه و به‌صورت علنی مطرح نمایند. زن می‌تواند در شرایط مساوی، به مشاغل عمومی کشورش دسترسی داشته باشد و مالک قانونی دسترنج خود باشد. هیچ‌کس نمی‌تواند او را به دلیل اشتغال به کاری که قانون پذیرفته است، تحت تعقیب یا مجازات قرار دهد. بنابراین، او حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید و شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کاری که به آن اشتغال دارد، مطالبه کند. او باید بدون هیچ تبعیض در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارد. زن در قبال کاری که انجام می‌دهد باید حقوق مکفی و درخور شأن دریافت کند. پیوستن به اتحادیه‌های کارگری و مانند آن، که از حقوق زنان شاغل دفاع می‌کنند، حق قانونی اوست. وی در قبال کار، حق استراحت، فراغت و تفریح دارد و اجازه دارد که از مرخصی‌های ادواری با حقوق استفاده کند. در مواقع بیکاری، موردحمایت قانون قرار گیرد و از شرایطی آبرومندانه در زندگی برخوردار شود. زنان برای انجام بهینه کاری که بر عهده می‌گیرند، حق آموزش دارند و دروازه‌های آموزش باید با شرایط مساوی به روی مرد و زن باز باشد (صبوری، ۱۳۹۰: ۸۵).

۳-۱. اشتغال زنان از دیدگاه اجتماعی و اقتصادی

به‌عنوان نیمی از منابع انسانی، زنان نه‌تنها موضوع و هدف هر نوع توسعه‌ای هستند بلکه اهرم مؤثری در پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشند. تجهیز این منبع مهم و به کار گرفتن صحیح و مطلوب آن نه‌تنها نیل به اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را آسان‌تر می‌کند بلکه از نظر تحقق هدف‌های مربوط به توزیع عادلانه‌تر درآمدها و بالابردن سطح رفاه خانواده تأثیرات مثبتی بر جای خواهد گذاشت (غفاری و یوسفی، ۱۳۹۷: ۶۶).

ضرورت والزام اقتصادی- اجتماعی مشارکت مولد زنان در برنامه‌های توسعه، در تکامل تاریخ و پیشرفت جوامع بشری همیشه مطرح بوده است لیکن هنوز در جوامع عقب‌مانده و درحال توسعه، تعادل مطلوب و قابل قبول در امر مشارکت عادلانه زن و مرد در فعالیت‌های اقتصادی و استفاده منصفانه از فرصت‌های مشارکت و بروز خلاقیت و استعداد برتر برقرار نشده است.

با آنکه آیین مقدس اسلام از ۱۴۰۰ سال قبل استقلال اقتصادی زن را پیش‌بینی و اعلام کرده است و به تبعیت از آن در متون حقوقی نیز بدان اشاره شده است ولی زنان ایرانی از نظر وضعیت اقتصادی، بالاخص ورود به بازار کار، که شاخصه اصلی اتکای اقتصادی است حدود صدسال عقب‌تر از زنان در جوامع صنعتی است. از این‌رو برای دستیابی به استقلال اقتصادی، کافی نیست که در متون حقوقی و مذهبی برای زنان حقوقی قائل شویم که تحقق آن‌ها به راحتی امکان‌پذیر نباشد، بلکه این استقلال یادشده نیازمند زمینه‌سازی‌های فرهنگی، اجرایی و اجتماعی است که آن را از حد شعارهای آرمانی و مجموعه اندیشه‌های احساساتی بیرون آورده و به مرحله عمل برساند (آذربایجانی، ۱۳۸۸: ۳۲).

۴-۱. آمار وضعیت اشتغال زنان

به‌طور سنتی نیروی کار شامل همه افرادی می‌شود که برای تهیه و تولید کالا و خدمات اقتصادی کار می‌کنند. در عمل این تعریف مشکلات خاصی را به‌ویژه در زمینه آمارگیری از کار زنان به وجود می‌آورد. مکرراً مشاهده شده است فعالیت‌هایی که نوعاً توسط زنان انجام می‌گیرد، به‌طور منظم از آمار نیروی کار و درآمد ملی خارج می‌شود. در بسیاری از نظام‌های اقتصادی تمایل به نادیده گرفتن کار زنان وجود دارد و چنین تمایلی بر روش‌های جمع‌آوری اطلاعات آماری از فعالیت‌های زنان تأثیر می‌گذارد. مشکلات روش‌شناسی در تحقیقات از قبیل زمان مراجعه (تعیین یک روز در یک هفته، عدم توجه به تغییرات فصلی و اشتغال نوبتی) و همچنین مشکلات اجرایی کار از قبیل جنسیت آمارگیران و افراد مصاحبه‌شونده (اغلب با مردان مصاحبه می‌کنند و احتمالاً مردانی که رئیس خانواده هستند) و نیز مشکلات مربوط به فعالیت‌های اقتصادی، همه این عوامل در کم تخمین زدن میزان اشتغال زنان در آمارهای رسمی بسیاری از کشورها مؤثر می‌باشند (ملک‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۲).

تا سال ۱۹۸۲، توصیه‌های سازمان ملل متحد و سازمان بین‌المللی کار بر این نکته تأکید داشتند که کار در مشاغل اولیه دارای دستمزد در درآمد ملی محاسبه و منظور گردد. اگرچه روش آمارگیری در کشورهای مختلف با یکدیگر تفاوت دارد ولی اغلب دولت‌ها تمایل دارند تا بسیاری از فعالیت‌های بدون دستمزد زنان را حتی اگر اقتصادی بوده و در درآمد خانواده و درآمد ملی مؤثر باشند، گزارش ندهند. کم تخمین زدن کار اقتصادی زنان در کشورهایی که فاقد بازار گسترده هستند و همچنین در واحدهای



زراعی کوچک و خودمصرف به صورت شدیدتری ملاحظه می‌شود.

مشکل محاسبه کارزنان به‌ویژه در دو بخش حاد می‌شود، یکی کار در کارگاه‌های خانوادگی (بدون مزد) و دیگری کارهای خانگی است. در بسیاری از کشورها کارگران خانوادگی بدون دستمزد در بخشهای اقتصادی فعالیت می‌کنند اما در کشورهای درحال توسعه این‌گونه کارگران در بخش کشاورزی نقش مهمی را عهده‌دار می‌باشند. زنان روستایی نه تنها در تولیدات اولیه کشاورزی فعال هستند بلکه حتی مسئولیت نگهداری و مراقبت از دام‌ها و تولید فرآورده‌های دامی با آن‌ها است، ضمن اینکه مشغول فعالیت‌های مختلف غیر زراعی از قبیل فرابری، انبار کردن و بازاریابی محصولات کشاورزی نیز می‌باشند (صبوری، ۱۳۹۰: ۳۶).

مشکل اساسی در محاسبه و بررسی کارهای خانوادگی بدون مزد آن است که این نوع کارها تفاوت آشکاری با کارهای خانگی ندارند. در واقع همه اعضای خانواده‌های کم‌درآمد (اعم از مرد، زن و فرزند) در تأمین احتیاجات اولیه خانواده خود مشارکت می‌کنند. حتی اگر مرد و زن به‌طور مساوی وقت خود را در فعالیت‌های اقتصادی صرف کنند، بازهم معمولاً زنان اداره خانه را بر عهده‌دارند. در کشورهای درحال توسعه زنان وقت و کار بیشتری را برای تهیه غذا و تأمین آب و نیازهای سوختی خانواده مصرف می‌کنند. تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که کار روزانه زنان روستایی ۱۲ تا ۱۶ ساعت طول می‌کشد که این امر سلامتی آنان را به‌طور جدی تهدید می‌کند. از سوی دیگر با وجود اینکه در کشورهای صنعتی زنان کمتر کار می‌کنند ولی بیشتر کارهای خانه از قبیل آشپزی، نظافت، خرید و نگهداری از فرزندان بر عهده آنان است. کارهای خانگی اغلب بدون دستمزد باقی می‌مانند و معمولاً به‌عنوان فعالیت اقتصادی در آمار مربوطه مورد محاسبه قرار نمی‌گیرند.

در سیزدهمین کنفرانس بین‌المللی کارشناسان آمار کار که توسط دفتر بین‌المللی کار در سال ۱۹۸۲ برگزار شد، به‌منظور حل مشکلات مذکور تعریف جدیدی از جمعیت فعال اقتصادی پذیرفته شد. طبق این تعریف که بر اساس سیستم محاسبات ملی سازمان ملل متحد است، تولید کالاها و خدمات اقتصادی شامل تمام تولیدات و فرابری محصولات اولیه است خواه برای بازار و داد و ستد و خواه برای مصرف شخصی بوده باشند. در این تعریف، کارگران معیشتی و کارگران خانوادگی فاقد مزد به‌عنوان خویش‌فرما در آمار منظور و محاسبه می‌شوند. اما وظایف خانوادگی فعالیت اقتصادی محسوب نگردیده‌اند. بدین ترتیب انتظار می‌رود با این تعریف جدید از فعالیت اقتصادی در آینده عمل محاسبه و ثبت اشتغال زنان بهتر انجام شود (کهریزی و مرادی، ۱۳۹۴: ۲۸).

۲. بررسی نظریه‌های سلامت اجتماعی

در بررسی سلامت اجتماعی از دیدگاه کبیز، نظریه‌ی وی از یک اصل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی نشات می‌گیرد. طبق نظر کبیز حلقه مفقوده در تاریخچه‌ی مطالعات مربوط به سلامت پاسخ به این سؤال است که آیا ممکن است کیفیت زندگی و عملکرد شخصی افراد را بدون توجه به معیارهای اجتماعی ارزیابی کرد؟ وی در پاسخ به این سؤال می‌گوید، عملکرد خوب در زندگی چیزی بیش از سلامت جسمی و روانی است و تکالیف و چالش‌های اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد. به نظر وی «سلامت اجتماعی عبارت است از چگونگی ارزیابی فرد از عملکردش در برابر اجتماع. فرد سالم از نظر اجتماعی، اجتماع را به‌صورت یک مجموعه معنادار، قابل فهم و بالقوه برای رشد و شکوفایی دانسته و احساس می‌کند که به جامعه تعلق دارد، از طرف جامعه پذیرفته می‌شود و در پیشرفت آن سهیم است» (سام آرام، ۱۳۸۸: ۷۷).

ابعاد پنج‌گانه سلامت اجتماعی از دید کبیز:

۱-۲. انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی، ارزیابی فرد از روابطش در جامعه و گروه‌های اجتماعی است. فرد سالم احساس می‌کند که بخشی از اجتماع است و خود را با دیگرانی که واقعیت اجتماعی را می‌سازند سهیم می‌داند. به نظر کبیز از دیدگاه دورکیم سلامت و یگانگی اجتماعی، روابط افراد را با یکدیگر از طریق هنجارها منعکس می‌کند. انسجام اجتماعی احساس بخشی از جامعه بودن، فکر کردن



به این که فرد به جامعه تعلق دارد، احساس حمایت شدن از طریق جامعه و سهم داشتن در آن است؛ بنابراین انسجام آن درجه‌ای است که در آن مردم احساس می‌کنند که چیز مشترک بین آن‌ها و کسانی که واقعیت اجتماعی آن‌ها را می‌سازند وجود دارد (سام آرام، ۱۳۸۸: ۶۵).

۲-۲. پذیرش اجتماعی

افرادی که دارای این بعد از سلامت هستند، اجتماع را به صورت مجموعه‌ای از افراد مختلف درک می‌کنند و به دیگران به عنوان افراد با ظرفیت و مهربان اعتماد و اطمینان دارند و باور دارند که مردم می‌توانند مؤثر باشند. این افراد دیدگاه مطلوبی نسبت به ماهیت انسان دارند و با دیگران احساس راحتی می‌کنند. در پذیرش اجتماعی، فرد، اجتماع و مردم آن را با همه نقص‌ها و جنبه‌های مثبت و منفی باور دارد و می‌پذیرد (غفاری و یوسفی، ۱۳۹۷: ۱۵).

۲-۳. مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی باوری است که طبق آن فرد خود را عضو مهمی از اجتماع می‌داند و تصور می‌کند چیزهای ارزشمندی برای عرضه به جامعه دارد. مشارکت اجتماعی یعنی چه میزان فرد احساس می‌کند آن چه انجام می‌دهد در نظر اجتماع ارزشمند و در رفاه عمومی مؤثر است (عبدالله‌تبار و محمدی، ۱۳۸۷).

۲-۴. انطباق اجتماعی

انطباق اجتماعی درک کیفیت، سازماندهی و عملکرد دنیای اجتماعی فرد است. فرد سالم از نظر اجتماعی سعی دارد تا در مورد دنیای اطراف خود بیشتر بداند. افراد سالم، علاقه‌مند به طرح‌های اجتماعی بوده و احساس می‌کنند قادر به فهم وقایع اطراف‌شان هستند، خود را با تصور این که در حال زندگی در یک دنیای متکامل و عالی هستند، فریب نمی‌دهند و خواسته‌ها و آرزوهای‌شان را برای فهم و درک زندگی ارتقا می‌بخشند (کهریزی و مرادی، ۱۳۹۴: ۸).

۲-۵. شکوفایی اجتماعی

شکوفایی اجتماعی عبارت است از ارزیابی توان بالقوه و مسیر تکاملی اجتماع و باور به این که اجتماع در حال یک تکامل تدریجی است و توان‌مندی‌های بالقوه‌ای برای تحول مثبت دارد که از طریق نهادهای اجتماعی و شهروندان شناسایی می‌شود. افراد سالم در مورد شرایط آینده جامعه امیدوار و قادر به شناسایی نیروهای جمعی هستند و معتقدند که خود و سایر افراد از این نیروها و تکامل اجتماع سود می‌برند. شکوفایی اجتماعی یعنی باور به این که فرد سرنوشت خویش را در دست دارد و به مدد توان بالقوه‌اش مسیر تکاملی را کنترل می‌کند (عبدالله‌تبار و محمدی، ۱۳۸۷: ۱۰).

۳. قانون خدمت نیمه‌وقت اشتغال زنان

مجلس شورای اسلامی در ۱۰ آذر ۱۳۶۲ این ماده واحده را تصویب کرد: وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات مشمول قانون استخدام کشوری و شرکت‌های دولتی و مؤسساتی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است، می‌توانند در صورت تقاضای بانوان کارمند رسمی و ثابت خود و با موافقت بالاترین مقام مسئول، خدمت بانوان را نیمه‌وقت تعیین نمایند. علاوه بر این، به دستگاه‌های موضوع این قانون اجازه داده شد در صورت تقاضای بانوان کارمند رسمی و ثابت خود و با موافقت بالاترین مقام مسئول، همچنین بتوانند به جای نیمه‌وقت کردن آنان، ساعات خدمت آن‌ها را به سه چهارم کار مقرر تقلیل دهند. مدت و نحوه و ترتیب انجام خدمت نیمه‌وقت و وضع پست ثابت سازمانی و میزان حقوق و مزایا و نحوه محاسبه سنوات خدمت و بازنشستگی و اعطای پایه و ارتقای گروه و مرخصی، به موجب قانونی که از طرف سازمان امور اداری و استخدامی کشور تهیه شده و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید، مشخص خواهد گردید. (دفتر امور زنان، ۱۳۷۲: ۳۶) مجلس شورای اسلامی قانون نحوه اجرای قانون مربوط به خدمت نیمه‌وقت بانوان (مصوب ۱۳۶۴) را به شرح ذیل تصویب کرد: «در اجرای بندهای ۱ و ۲ از اصل ۲۱ قانون اساسی، بانوان کارمند رسمی و ثابت وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و نیروهای مسلح و مؤسساتی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است، می‌توانند در صورت موافقت وزیر یا بالاترین مقام مؤسسه متبوع خود،



از خدمت نیمه وقت استفاده نمایند.» (دفتر امور زنان، ۱۳۷۲: ۸۸).

۴. مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی از دیدگاه اسلام

۴-۱. دیدگاه اسلام به فعالیت اقتصادی زنان

بررسی آیات و روایات و سیره عملی مسلمانان نشان می دهد که اسلام اشتغال زنان را به رسمیت شناخته است. قرآن به زن مسلمان می آموزد که می تواند در جامعه حضور فعال و مؤثر داشته باشد و رسالت خویش را در کنار رسالت تربیت فرزند، در صحنه های مختلف اجتماعی و اقتصادی به انجام رسانند. بنابراین، زن مسلمان نیز می تواند از همه مواهب اجتماعی و اقتصادی برخوردار باشد و در چارچوب قوانین و موازین، در تمام شئون اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی فعالانه مشارکت نماید. تاریخ اسلام نیز شاهد این معنا است که زنان مسلمان از صدر اسلام همواره، فعالانه در جامعه حضور داشته و در کنار مردان نقش مهمی را ایفاء کرده اند. نگاهی به زندگی حضرت خدیجه اولین بانوی اسلام و کمک بی دریغ او به رسول خدا ۹ در پیشبرد اسلام و نیز نقش دخت گرامی آن حضرت، حضرت فاطمه در دفاع از مقام ولایت و همچنین نقش حضرت زینب کبری در واقعه کربلا و وقایع پس از آن، مؤید این موضوع است (کهریزی و مرادی، ۱۳۹۴: ۶۷).

از آیات قرآن نیز این نتیجه بدست می آید که ارزش کار و تلاش برای همه انسان ها یکسان است و فرقی بین زن و مرد وجود ندارد. زیرا، خطاب قرآن در مورد اشتغال عام است. در قرآن در سوره نحل آیه ۹۷ آمده است «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَئٰةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» یعنی «هر کس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالیکه مؤمن است، به طور مسلم او را حیات پاکیزه می بخشیم؛ و پاداش آن ها را مطابق با عملی که انجام می دادند، خواهیم داد.» منظور این آیه این است که ملاک پاداش، سن، نژاد، جنسیت، موقعیت اجتماعی و سیاسی و ... نیست بلکه ملاک، عمل صالح است و زن و مرد در کسب کمالات معنوی یکسان هستند. حتی یک عمل صالح بی پاسخ نمی ماند و هر جا که تفکر جاهلی مبتنی بر تحقیر زن باشد، باید نام و مقام زن را به صراحت نام برد. (مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ).

لذا، اسلام حقوق تکوینی برای زن و مرد قائل نشده است و هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست. اسلام اصل مساوات انسان ها را در مورد مرد و زن رعایت کرده است و با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، با تشابه حقوق آن ها مخالف است (مطهری، ۱۳۷۵: ۹۶). یکی از حقوق اقتصادی زنان، اشتغال زنان است. در سوره نساء آیه ۳۲ آمده است: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهٖ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَاللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّا اللَّهُ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» یعنی «برتری هایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید! (این تفاوت های طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شما، و بر طبق عدالت است. ولی با این حال) مردان نصیبی از آنچه به دست می آورند دارند، و زنان نیز نصیبی (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد). از فضل (رحمت و برکت) خدا، برای رفع تنگناها طلب کنید! و خداوند به هر چیز داناست.» لذا برای مردان از آنچه کسب کرده اند، بهره ای است و برای زنان از آنچه کسب کرده اند، بهره ای است این آیه مؤید حق مالکیت زن و مرد بر نتیجه کار خویش است و به طور ضمنی به زنان اجازه کار و اشتغال می دهد. هم چنین در سوره نجم آیه ۳۹ آمده است: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ» یعنی «او اینکه برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست.» لذا، بررسی آیات به طور عام زنان و مردان را به کار و تلاش تشویق می نماید و کار و تلاش را برای زن و مرد مجاز می شمارد.

بررسی تاریخ اسلام هم نشان می دهد اشتغال زنان در عصر پیامبر نیز به شکل گسترده ای رواج داشت و زنان در تمامی مشاغل رایج آن زمان حضور داشتند. زنان در مشاغل مانند پزشکی، تجارت و صنایع دستی مشغول فعالیت بودند زنان زیادی به امر شبانی و دامداری می پرداختند (عیوضی و کریمی، ۱۳۹۰: ۹۲) لذا، از نظر اسلام، زنان از آزادی در انتخاب شغل برخوردار هستند. لیکن از نظر اسلام، زن باید بدون داشتن دغدغه های مالی و اجتماعی، با فراغ بال و آرامش، مدیریت داخلی خانواده و نقش جنسیتی خود را انجام دهد و مرد موظف است تمامی نیازها و حاجات اقتصادی خانواده را تأمین کند. به عبارت دیگر، از نظر



اسلام زن مجبور نیست برای خودش و خانواده‌اش کار بکند و نفقه دادن توسط مرد به زن واجب شرعی است. لذا آنچه از احکام استنباط می‌شود این است که وظیفه رفع نیاز خانواده به دوش زنان نیست. چرا که دست تکوین وظیفه‌ای بس مهم بر دوش آن‌ها قرار داده است. ولی زنان با مصلحت اندیشی و بررسی علایق و استعدادهای خویش و داشتن فرصت می‌توانند به امور کسب درآمد و اشتغال بپردازند. به هر حال اشتغال زنان تکلیف نیست بلکه حقی است که زنان می‌توانند از آن استفاده کنند. (کاشانی، ۱۳۹۰: ۷۴)

۴-۲. شرایط اشتغال زنان از دیدگاه اسلام

از نظر اسلام، اشتغال زنان نامحدود نیست بلکه مشروط به شرایط خاصی است. لذا در اشتغال زنان به سه نکته باید توجه شود که عبارتند از:

۱- شرایط واگذاری کار به زنان است.

۲- فعالیت‌های اقتصادی که زنان از آن‌ها منع شده‌اند.

۳- آدابی که زنان باید در تعامل با مردان در اجتماع رعایت نمایند (که‌ریزی و مرادی، ۱۳۹۴: ۷۷).

۴-۲-۱. شرایط واگذاری کار به زنان در مؤسسات

در شرایط واگذاری کار به زنان از دید اسلام، به چهار نکته باید توجه شود، که عبارتند از:

۱- مصلحت جامعه: در واگذاری شغل به زنان باید دقت کرد که چه پیامدهایی دارد آیا تأثیر مثبت دارد و موجب پیشرفت جامعه می‌شود و یا اینکه اثر منفی و مخرب دارد و موجب رکود اخلاقی جامعه خواهد شد.

۲- مصلحت خانواده: قداست و استواری خانواده از نظر اسلام بسیار مهم است لذا، اشتغال زنان نباید مانع استحکام خانواده شود.

۳- شرایط و مسائل فردی زنان: در واگذاری شغل باید به مصالح شخصی آنان نیز توجه بشود. باید شغل متناسب با توانمندی زنان باشد و نباید به قابلیت‌های او خدشه وارد نماید.

۴- لحاظ کردن اولویت کاری به مرد و زن: در واگذاری کار باید به بازدهی و امکانات و توانایی‌های افراد توجه شود. اینکه زن برای این شغل مناسب‌تر است یا مرد، بستگی به شرایط شغل دارد. در برخی از شغل‌ها مانند معلمی و پرستاری زنان بهتر از مردان عمل می‌کنند ولی برخی از شغل‌ها مانند باربری، مکانیکی و آهنگری برای مردان مناسب‌تر هستند. نکته دیگری که باید

توجه داشت این است که بیکاری کدام گروه موجب ضرر بیشتر جامعه می‌شود (محمدی، ۱۳۸۵: ۹۶).

۴-۲-۲. فعالیت‌های اقتصادی ممنوع برای زنان

با تمام آزادی که اسلام برای اشتغال زنان قائل شده است، اشتغال در سه نوع کاربری زنان ممنوع شده است. این امر به دلیل تکالیفی است که این مشاغل بر دوش زنان می‌گذارد. مشاغل ممنوعه برای زنان عبارت است از: ۱- قضا، ۲- جهاد و ۳- افتاء.

۱- قضا: قضا یک تکلیف دینی است نه کار اجتماعی. مهم‌ترین دلیل منع زنان در امور قضاوت این است که ممکن است زنان به دلیل عاطفه و احساسی که دارند، موفق به بررسی بی‌طرفانه جرم نشوند و در قضاوت اشتباه کنند. لیکن از نظر اسلام، زنان حق شهادت دارند. البته در مورد منع زنان از قضاوت نیز بین فقها اختلاف نظر وجود دارد.

۲- جهاد: اگر جهاد به منظور گسترش اسلام و توسعه جغرافیایی اسلام باشد، زنان وظیفه‌ای برای جهاد ندارند و فقط مردان حق شرکت در این نوع جهاد را دارند و این وظیفه از دوش زنان برداشته شده است. ولی اگر جهاد جنبه دفاعی داشته باشد و برای دفاع از اسلام باشد، بر تمام افراد جامعه از جمله زنان واجب کفایی است که از میهن خود دفاع کنند.

۳- افتاء: افتاء از اموری است که زنان مکلف به انجام آن نیستند. مرجعیت دینی شرایط خاص خود را می‌طلبد و فقط فقهای ذکور حق مرجعیت دینی را دارند (محمدی، ۱۳۸۵: ۲۵).

۴-۲-۳. آداب تعامل بین زن و مرد در جامعه

آدابی که زنان موظف هستند در تعامل با مردان در محیط کار رعایت نمایند عبارت است از:

۱- اجتناب از نگاه وسوسه انگیز: «غض بصر» که در قرآن آمده است به معنای بستن دیدگان نیست بلکه به معنای خودداری از



نگاه فتنه انگیز است.

۲- اجتناب از مصافحه: یکی دیگر از آداب مشارکت زنان در جامعه پرهیز از مصافحه و دست دادن است. از نظر اسلام، لمس بدن نامحرم به هر شکلی حرام است.

۳- اجتناب از خلوت گزینی: یکی دیگر از آداب مشارکت، خودداری از خلوت کردن زن و مرد نامحرم در محیط کار است.

۴- اجتناب از اختلاط: اسلام اختلاط و حضور غیر ضروری زن را در اجتماع مردان ممنوع کرده است.

۵- اجتناب از گفتگوهای مغالزه انگیز: گفتگویی که فتنه انگیز باشد، بین زن و مرد ممنوع است.

۶- اجتناب از قراردادن خویش در جایگاه اتهام: فرد مسلمان باید به ملاکها و معیارهای ارزشی جامعه احترام بگذارد و به بایدها و نبایدها عنایت کامل داشته باشد، تا مورد اتهام قرار نگیرد.

۷- پوشش مناسب: در اسلام، حجاب برای زن واجب است. زن مسلمان باید سنگین، پوشیده و ساده از منزل خارج شود. بدین ترتیب از مفاسد اخلاقی و اجتماعی جلوگیری می شود. حتی در کشورهای غربی نیز زنانی که دارای شخصیت و حیثیت برجسته ای هستند، نیمه برهنه در اجتماع ظاهر نمی شوند. از دید اسلام، زنان باید از دید نامحرم خود را بپوشاند. از پوشیدن لباس های مردانه خودداری نماید و لباس هایی که با عرف جامعه ناسازگار است نپوشد. خودآرایی نکند و حیا و نجابت در رفتار آنان وجود داشته باشد (احمدی و جربندی، ۱۳۹۰: ۴۲)

لذا، از نظر اسلام حضور زنان در جامعه و مشارکت آنان در فعالیتهای اقتصادی منعی ندارد ولی باید آداب و ضوابط آن را رعایت نمایند. لذا، با رعایت موارد فوق و در صورتیکه نقش جنسیتی اشتغال زنان با نقش شغلی آنان در تعارض قرار نگیرند، اشتغال زنان بلامانع است (کههریزی و مرادی، ۱۳۹۴: ۹۶).

۳-۴. بررسی تطبیقی دیدگاه اسلام و غرب در مورد مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی

در دیدگاه غرب، مردسالاری به عنوان یک مکانیسم مهم تحدیدکننده دسترسی زنان به فرصتهای اقتصادی است. زیرا به طور سنتی در همه فرهنگها مرد جنس برتر تلقی شده و این طرز تلقی از مرد و زن، به عنوان جنس برتر و جنس ضعیف بر روی تمام فعالیتهای زنان تأثیر گذاشته و آنان را عملاً در شرایط اجتماعی خاص قرار می دهد. کار اصلی زنان خانه داری و بچه داری تلقی می شود که هیچ گونه ارزش اقتصادی ندارند. بنابراین، به واسطه اینکه کارها بدون مزد انجام می شوند، زنان موجودی ضعیف تصور شده و چنانچه بخواهند در عرصه کار و فعالیت اجتماعی وارد شوند با این تلقی از آنان، کمتر به کار گرفته می شوند، دستمزد کمتری می گیرند و امکان رشد نخواهند داشت (سفیری، ۱۳۷۷: ۸۷) این در حالی است که کار زنان در خارج از خانه نیز خالی از تبعیض نیست. تبعیض میان مردان و زنان شاغل از نظر نابرابری دستمزدها، عدم امکان ارتقای شغلی مساوی، نا امنی شغلی و ... منجر به دلسردی زنان در ورود به بازار کار می شود. تحقیقی تجربی در ارتباط با توزیع دستمزد در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه نشان می دهد که مردسالاری مهمترین عامل فرهنگی در شکاف جنسی دستمزدها است. تفاوت دستمزد در جوامع مردسالار بالاتر است و این عامل بر مشارکت پایین تر زنان در بازار کار مؤثر است به طور کلی نابرابری جنسیتی به عنوان یک مانع و محدودکننده ساختاری، هم در ورود زنان به بازار کار و هم در ماندگاری آنان در اشتغال، اثرگذار است (غفاری و یوسفی، ۱۳۹۷: ۸۰).

مشخص است که دیدگاه اسلام با دیدگاه غرب در مورد مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی متفاوت است. از نظر اسلام، مادری و تربیت فرزند وظیفه اصلی زنان و نان آوری وظیفه مردان است. حتی در مورد کار در خانه توسط زنان گفته شده است که زن وظیفه ندارد در خانه خدمت نماید، غذا تهیه کند و نظافت انجام دهد، مگر به میل خویش. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳: ۴۵) از دیدگاه غرب «کارهای خانگی» هیچ گونه حقی را برای کسب درآمد مستقل برای زنان به وجود نیاورده است. از این رو زنان برای کسب درآمد مستقل باید در بیرون خانه هم کار کنند و یا اینکه در ازای انتقال درآمد به مردان وابسته شوند. این وضعیت، زنان را در شرایط ناامنی قرار می دهد. لیکن، طرح اجرت المثل که از سوی اسلام برای زنان در نظر گرفته شده است، که مبین ارزشی است که اسلام بر زن و بهای کار او در نظر گرفته است. (باقری، ۱۳۹۰: ۲۱) زنان خانه دار بخش مهمی از اقتصاد غیر پولی را



تشکیل می‌دهند، لیکن بابت کار مزدی را دریافت نمی‌کنند و سهم آن‌ها در درآمد خانواده در نظر گرفته نمی‌شود. این در شرایطی است که فعالیت‌های ایشان از آنجایی که موجب افزایش درآمد و کاهش هزینه خانوار می‌شود، بسیار مهم است. این در حالی است که از نظر اسلام، خدمت زنان در منزل و یا شیردادن به فرزندان، اجباری نیست و جز وظایف زنان محسوب نمی‌شود. همچنین زنان می‌توانند حتی برای شیردهی به فرزندان خود از همسرانشان اجرت مطالبه نمایند این موضوع در آیه ۲۳۳ سوره بقره به صراحت بیان شده است. در این زمینه خداوند متعال زنان را مختار کرده است تا اگر او خواست کار منزل را انجام دهد. از این رو کار زنان در منزل برابر عبادت مستحبی است (بی‌ریا، ۱۳۹۹: ۸۷).

این در حالیست که در دیدگاه غرب، اشتغال زنان در خارج از خانه در ساعت معین، باعث آسیب‌پذیری تربیت فرزندان شده و سلامت زنان و خانواده را تحت تأثیر قرار داده است. از طرف دیگر، در مورد اشتغال زنان و شعار «مزد برابر در برابر کار برابر» که شعار فمینیست‌ها است، باید اذعان کرد که اشتغال زنان اگرچه با هدف برابری اقتصادی و اجتماعی مطرح شده ولی در عمل، بی‌عدالتی و نابرابری شدیدتری را برای زنان به وجود آورد. زیرا اشتغال زنان یعنی اینکه زن دو شغل دارد ولی مرد یک شغل. یعنی یک شغل حرفه‌ای زن و دیگری کار در خانه او. یعنی زانی که در خارج از خانه کار می‌کنند باید وظایف مربوط به منزل را هم انجام بدهند. این موضوع باتوجه به کمبود وقت زنان و محدود بودن آن‌ها، به ایشان فشار وارد می‌نماید و موجب کم‌حوصلگی، عصبانیت و افسردگی زنان شده، تمایل به فرزندآوری آن‌ها را کم می‌نماید. از طرف دیگر، زنان ناخواسته روحیه تقابل پیدا می‌کنند که این آغازی برای فروپاشی خانواده می‌گردد. (کهریزی و مرادی، ۱۳۹۴: ۱۸)

بحث و نتیجه‌گیری

اشتغال زنان به‌عنوان امری مبتلا به جامعه، موضوعی است که ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی دارد و به تبع آن، در شاخه‌های مختلف علوم انسانی از جمله جامعه‌شناسی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی، جمعیت‌شناسی، روان‌شناسی، حقوق و ... بدان توجه زیادی مبذول گردیده است. دیدگاه اسلام با دیدگاه غرب در مورد مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی متفاوت است. در دیدگاه غرب، زنان باید بدون هیچ قید و شرطی وارد بازار کار شوند. در این دیدگاه شغل زن مهمترین نقش او است و نقش مادری و همسری زنان به‌صورت فرعی و در اولویت دوم قرار گرفته است. این موضوع زنان را با چالش مواجه نموده است. زیرا زنان ناگزیر هستند برای تأمین هزینه زندگی خود وارد بازار کار شوند و علاوه بر فشار کار در خانه، فعالیت‌های شغلی را هم انجام دهند. از طرف دیگر به دلیل نداشتن توان رقابت با مردان، امکان دستیابی به مشاغل بالاتر را ندارند و ناگزیر در مشاغل درجه دوم با حقوق کمتر فعالیت نمایند. اسناد بین‌المللی حق کار کردن برای زن، صرف نظر از جنس، رنگ، نژاد، عقیده و مانند آن را به رسمیت شناخته است؛ از جمله: هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت‌بخش برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد. به علاوه، همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند و نیز هر کس که کار می‌کند حق مزد منصفانه و رضایت‌بخش را خواهد داشت که زندگی او و خانواده‌اش را موافق شئون اسلامی تأمین کند و آن را در صورت لزوم، با هر نوع وسایل دیگر حمایت اجتماعی تکمیل نماید و همچنین هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود، با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه‌ها نیز شرکت کند.» در اسناد حقوق بشر اسلامی نیز تفاوتی بین زن و مرد در کار کردن به چشم نمی‌خورد. مطابق این اسناد، کار حقی است که دولت‌ها و جامعه باید آن را برای هر کسی که قادر به انجام آن است، تضمین کنند و هر انسانی آزادی انتخاب کار شایسته را دارد، به گونه‌ای که هم مصلحت خود و هم مصلحت جامعه برآورده شود. هر کارگری حق دارد از امنیت و سلامت و دیگر تأمین‌های اجتماعی برخوردار باشد و نباید او را به کاری واداشت که توانش را ندارد یا او را به کاری اکراه نمود یا از او بهره‌کشی کرد یا به او زیان رساند. هر کارگری بدون فرق میان زن و مرد، حق دارد در مقابل کاری که ارائه می‌دهد، به سرعت مزد عادلانه دریافت دارد؛ همچنین حق استفاده از مرخصی‌ها و پاداش‌ها و ترفیعات استحقاقی را نیز دارد. در مقابل، او موظف است که در کار خود اخلاص و درست‌کاری داشته باشد. اگر کارگران با کارفرمایان اختلاف پیدا کردند دولت موظف است



برای حلّ این اختلاف و از بین بردن ظلم و اعاده حق و پای‌بندی به عدل، بدون اینکه به نفع طرفی عدول کند، دخالت نماید. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در این باره آمده است: هر کسی حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت و نظام سیاسی موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز این مشاغل ایجاد نماید. قانون اساسی معیار واگذاری شغل به مردان و زنان را در عدم مباحث با اسلام، مصالح عمومی، حقوق دیگران و نیاز جامعه برمی‌شمارد (قانون اساسی، ۱۳۵۸: ۲۰). بنابراین، زنان را به دلیل سلیقه‌های شخصی و خرافات اجتماعی نمی‌توان از عهده گرفتن شغلی بازداشت. علاوه بر این، یکی از مؤلفه‌های اقتصاد در جمهوری اسلامی، تأمین شرایط و امکانات کاربری همه به‌منظور دستیابی به اشتغال کامل و قراردادن وسایل و ابزار کار در اختیار همه کسانی است که قادرند کاری را انجام دهند و شغلی را بر عهده گیرند، ولی وسایل و ابزار کار ندارند شغلی که زنان و مردان برمی‌گزینند باید فرصت و توان کافی را برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی آنان فراهم آورد و نیز به افزایش مهارت و ابتکار آن‌ها مدد رساند. بنابراین، سیاست‌گذاران قانون اساسی نمی‌خواسته‌اند زنان کارمند و زنان کارگر تنها شغلی بر عهده بگیرند، بلکه در صدد بوده‌اند به‌گونه‌ای سیاست‌گذاری نمایند که هم از توان جسمی و روحی زنان در توسعه اقتصادی جامعه استفاده کنند و هم رشد معنوی زنان را دامن بزنند. همین معنا و مفهوم در اصول دیگر قانون اساسی نیز آمده و از این رو، به نظر می‌رسد تأکید مکرر قانون اساسی بر این اصل کلی، اهمیت و ضرورت تأمین همزمان نیازهای مادی و معنوی اجتماعی را نشان می‌دهد که نقش زنان در آن غیرقابل انکار است؛ از جمله، طراحان قانون اساسی تعیین صفات و شرایط قاضی را به قانون عادی محوّل کرده‌اند. مجلس شورای اسلامی نیز در سال ۱۳۶۱ مقرر نمود: قضات از میان مردان واجد شرایط انتخاب شوند؛ ولی تحولات بعدی سبب گردید نقش زنان در دستگاه قضایی افزایش یابد. برابر با اصلاحیه سال ۱۳۷۴، زنان امتیازات جدیدی در امر قضاوت پیدا کردند؛ از جمله اینکه زنان واجد شرایط قادرند با پایه قضایی همانند مردان، در پست‌های مشاورت دیوان عدالت اداری، دادگاه‌های مدنی خاص، قاضی تحقیق، مستشاری اداره حقوقی و نظایر آن انجام وظیفه نمایند. تمام تلاش‌های نظری و عملی متفکران و پژوهشگران که با هدف بهبود شرایط زنان در موضوع اشتغال و مسائل مرتبط با آن از سوی عالمان علوم انسانی در رشته‌های گوناگون صورت می‌پذیرد، تنها زمانی می‌تواند به‌طور عملی گره گشا باشد که مورد عنایت حقوق دانان و قانون‌گذاران قرار گیرد و به اتخاذ تصمیمات قانونی برای رفع معضلات مزبور منجر شود و بدون ورود قانون‌گذار به حوزه اشتغال زنان، مشکل می‌توان امید به بهبود شرایط در این موضوع داشت. در این مقاله، با بررسی اسناد مرتبط با حقوق عمومی ایران، بستر پیگیری و استیفای حق اشتغال زنان در ایران، مناسب ارزیابی شده است، با این حال، نیاز به شفاف سازی هرچه بیشتر قانون و توجه بیشتر قانون‌گذار به شرایط زنانی که هم زمان در دوعرصه خانواده و اجتماع مشغول تلاش و فعالیت هستند، در کنار الزام نهادهای فرهنگ ساز، به تلاش برای بهبود بستر فرهنگی و اجتماعی جهت حضور زنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی همچنان به‌طور جدی وجود دارد.

منابع

۱. امینیم، حسینیان، س.، امینی، ی (۱۳۹۲)، بررسی ورود زنان به عرصه اشتغال و تأثیر آن بر میزان قدرت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های درون خانواده، *فصلنامه زن و جامعه*، ۴(۱۳): ۲۸-۱.
۲. آذربایجانی، م (۱۳۸۸)، عدالت جنسیتی و اشتغال زنان، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، ۱۲(۴۶): ۱۱۶-۸۱.
۳. آرتی‌دار، طیبیه، *قوانین و مقررات ویژه زنان در جمهوری اسلامی*، ۱۳۸۲، (۱۳۸۵)، تهران، زیتون اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مجلس، جلد چهارم.
۴. باقری، ش (۱۳۹۰)، ارزش افزوده کار خانه داری زنان و عوامل مؤثر بر آن، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، ۳۴(۱)، ۱۱۰-۸۹.
۵. بی‌ریا، س (۱۳۹۹)، بررسی دیدگاه اسلام در مورد عملکرد اقتصادی زنان و نقش آنان در توسعه اقتصادی، *فصلنامه پژوهش‌های بین-رشته‌ای زنان*، ۲(۳).



۶. تقی‌پور، م (۱۳۸۹)، بررسی رابطه‌ی بین حمایت اجتماعی با سلامت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، *فصلنامه علمی پژوهشی*، ۳(۷).
۷. سام آرام، ع (۱۳۸۸)، بررسی رابطه سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی با تأکید بر رهیافت پلیس محور، *فصلنامه علمی - پژوهشی انتظامی اجتماعی*، (۱): ۹-۲۹.
۸. صابری خوش اخلاق، ز (۱۳۹۱)، مقایسه تطبیقی دو رویکرد مکتب اسلام و فمینیسم به تأمین امنیت اقتصادی زنان، *اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده*.
۹. صوری، س (۱۳۹۰)، *بررسی میزان سلامت اجتماعی در بین کارمندان آموزش و پرورش شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی، رشته علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، واحد تهران.
۱۰. عاطفی، ق، و زارعی، پ (۱۳۸۶)، بررسی اشتغال زنان از دیدگاه اسلام و غرب. مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای زن در نظام حقوقی اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آستارا.
۱۱. عبدالخانی، س، و بحرینی، ج (۱۳۹۴)، جایگاه اشتغال زنان از نظر اسلام. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۲(۵): ۱۱۹-۱۳۷.
۱۲. عبدالله‌تبار، ه؛ محمدی، علی (۱۳۸۷)، بررسی سلامت اجتماعی دانشجویان. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، (۳۱-۳۰): ۱۸۹-۱۷۱.
۱۳. عطارزاده، م (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی مفهوم زن در اسلام و غرب. *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، ۱۱(۴۲): ۷۸-۴۱.
۱۴. علیزاده، م (۱۳۸۹)، نقش اشتغال زنان در توسعه. *فصلنامه زن و فرهنگ*، ۲(۵): ۴۹-۸۹.
۱۵. عیوضی، م، و کریمی، غ (۱۳۹۰)، مشارکت اجتماعی زنان، رویکرد اسلامی، *فصلنامه دانش سیاسی*، ۷(۲): ۱۶۶-۱۳۳.
۱۶. غفاری، غ، و یوسفی، ن (۱۳۹۷)، فرصت‌های نابرابر و مشارکت اقتصادی زنان، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۹(۲): ۹۸-۶۷.
۱۷. فرجی، ی (۱۳۹۸)، *تئوری اقتصاد خرد*. چاپ چهاردهم. شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۱۸. کاشانی، ز (۱۳۹۰)، مبانی دینی عدالت جنسیتی و اشتغال زنان. *مجله تحقیقات زنان (مجله مطالعات زنان)*، ۲(۵): ۱۵۹-۱۳۸.
۱۹. کهریزی، م، و مرادی، ع (۱۳۹۴)، چالش‌های اخلاقی اشتغال زنان برای خانواده، *پژوهش نامه اخلاق*، ۸(۲۸): ۲۳-۴۰.
۲۰. محمدی، م (۱۳۸۵)، اشتغال زنان و نقش آن در توسعه. *مجله دانش پژوهان*، ۹.
۲۱. مطهری، م (۱۳۷۵)، *نظام حقوق زن در اسلام*. چاپ نوزدهم. انتشارات صدرا.
۲۲. مکارم شیرازی، ن و جمعی از نویسندگان (۱۳۶۳)، *تفسیر نمونه*. چاپ سی و دوم، دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. ملک‌زاده، ف (۱۳۹۲)، *تأثیر جنسیت بر اشتغال زنان*. چاپ اول، انتشارات جامعه‌شناسان.
۲۴. موحدی، ا (۱۳۸۸)، *بررسی تأثیر سلامت اجتماعی بر میزان کیفیت زندگی کارکنان بانک ملی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
۲۵. ویلکینسون، ر (۱۳۸۳)، *تعیین‌کننده‌های اجتماعی سلامت*، ترجمه م، زارع و دیگری، مرکز بین‌المللی بهداشت جامعه، سازمان بهداشت جهانی، انتشارات سیمین‌دخت.
۲۶. الهدی، *اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی*، (۱۳۵۷)، تهران، الهدی.
۲۷. یوسفی، ا (۱۳۹۰)، سیاست‌های راهبردی در اشتغال زنان از دیده آموزه‌های اسلامی، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۰(۳۹): ۸۴-۶۳.



The Right of Women to Work in Banks & Financial & Credit Institutions; Confrontation or Interaction with the Right to Health

Maryam Shirriyan Nasl

Assistant Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Law Research Center, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran (Corresponding Author)

maryam.shirriyan@yahoo.com

Javad Molaei

M.A Student in Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

javad1352molaei@gmail.com

Abstract

Background and Aim: Women make up half of the population of every country. Therefore, their economic activity as half of the society's workforce is very effective in achieving economic growth and development. Different societies have different views on how women participate in economic activities. In the western view, women should enter the labor market without any conditions and engage in economic activity.

Methods: In this study, the research method is descriptive-analytical.

Findings: Their job role is the first priority and it is more important than their role as mother and wife. But in Islam, while emphasizing the possibility of women's participation in economic activities, their role in the family as mothers and wives has been emphasized. Islam has accepted the employment of women under certain conditions.

Conclusion: In this research, the employment of women has become more important in line with the industrial age; Because women have given more importance to work outside the home in order to achieve financial independence, personal identity, economic participation and the like. In addition, the need of industrial societies and even developing countries for women's work has encouraged them to work. Therefore, the design, establishment and implementation of laws that determine the way of employment, working conditions, the amount of wages and the quality of women's leave has become an inevitable phenomenon. This article tries to outline the view of international documents and the Islamic Republic on the issue of "women's employment".

Key words: Right to Employment, Woman, Bank, Financial & Credit Institutions, Interaction, Right to Health